

سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در پرتو حقوق حداقلی انسان‌ها  
پیمان‌های چراغی<sup>۱</sup> - حسین حبیبی تبار<sup>۲\*</sup> - محمود قیوم زاده<sup>۳</sup>  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

**چکیده:**

هدف از پژوهش حاضر بررسی افزایش بزهکاری با فقدان حقوق حداقلی انسان‌ها می‌باشد که در دین مبین اسلام مورد تاکید واقع شده است. نگارندگان در این مقاله درصددند تا با تکیه بر اصل حقوق حداقلی انسان‌ها به این سوال پاسخ دهند که آیا سیاست جنایی پیشگیرانه ایران توانسته است حقوق اولیه افراد را فراهم نماید که در این راستا فرضیه پژوهش حاضر هر چند حقوق اولیه افراد را در قالب معیارهای حداقلی کرامت انسانی در قوانین مدون مورد تاکید قرار داده است. ولیکن قوه مجریه در اجرای این اصل و در عمل دچار چالش شده و نتوانسته است حقوق اولیه انسان‌ها را متناسب با شاخص‌های حقوق حداقلی محقق سازد که متناسب با فقدان این حقوق، جرایم متنوعی در رفتار انسان‌ها نمایان می‌شود. لذا روش تحقیق در مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای - اسنادی و از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** سیاست جنایی، حقوق ذاتی، کرامت انسانی

---

**JPIR-2110-1993**

۱ - دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۲ - استادیار الهیات و فقه و مبانی حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران: نویسنده مسئول

habibi.tabar@yahoo.com

۳ - استاد الهیات و فقه و مبانی حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

انسان موجودی است که دارای هیچ حد و مرزی نیست و همواره کرامت انسانی از موضوعاتی بوده که مورد توجه اندیشمندان بشری و مورد تاکید دین مبین اسلام قرار گرفته است و این حرمت انسانی را خداوند متعال نه به نژاد، قوم خاص و موجودات دیگر بلکه برای نوع بشر اعطاء نموده است و بعثت پیامبران و کوشش انسان دوستان جز در راستای حراست از این کرامت نمی‌باشد. لذا ساختار دولت و قوه مجریه باید مبتنی بر رعایت اصل کرامت انسانی و به منصف رساندن خواسته‌های اولیه انسان‌ها در عرصه زندگی باشد.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به کرامت انسانی در قالب حقوق بشر مورد تاکید و تمامی انسان‌ها را سوای از نژاد، زبان، رنگ و قومیت و... مستحق حقوق اولیه زندگی، حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آزادی بیان و اندیشه و... دانسته است.

سابقه نقش کرامت انسانی در مجازات به دوهزارسال قبل از میلاد بر می‌گردد در واقع انسان‌ها از بدو خلقت حداقل معیارهای کرامت (عقل اندیشه، وجهه الهی داشتن، اختیار، اراده و آزادی سلطه بر سایر موجودات طبیعی) را دارا می‌باشند.

تحقق سیاست جنایی پیشگیرانه و تامین حقوق ذاتی افراد که تاثیر بسزایی در پیشگیری از جرایم انسانی می‌تواند داشته باشد از مولفه‌های است که نهادهای غیر کیفری در صورت عدم برآورد این حداقلی حقوق به طور یکسان و مساوی، می‌تواند به رفتارهای ناپه‌نجا متنوع و متناسب با فقدان معیارهای حداقلی کرامت انسانی منجر شود که پژوهش حاضر بر آن شده است تا ارتباط فقدان این گونه حقوق را با جرایم ارتكابی به تصویر بکشد.

علی‌ای حال مساله این است که چه ارتباطی بین سیاست جنایی پیشگیرانه و فراهم نمودن حقوق حداقلی افراد وجود دارد؟

آیا در صورت فقدان حقوق اساسی افراد بستر جرم افزایش پیدا می‌کند؟  
آیا محقق نمودن اصل کرامت انسان‌ها توسط قوه مجریه، سیاست جنایی پیشگیرانه را بارور می‌کند؟

و در نهایت شیوه‌های اجرایی سیاست جنایی در قوانین موضوعه تا چه اندازه‌ای بر مبنای کرامت انسانی استوار بوده است؟

زمانی که عقل و آزادی فردی را محدود کنیم و در واقع با کیفر فرد به کرامت او دست اندازی نماییم آیا چنین فردی اصلاح پذیر است؟ و آیا محقق نشدن حقوق ذاتی انسان‌ها توسط مجریان قانون نمی‌تواند رشد کینه و حس انتقام جویی افزایش و نه تنها کاهش بلکه افزایش

بزهکاری را به دنبال داشته باشد؟ در واقع در تبیین مساله موضوع تحقیق این سوالات به ذهن متبادر شده که در پژوهش حاضر به آن پاسخ داده خواهد شد.

### پیشینه تحقیق

در خصوص کرامت انسانی و سیاست جنایی کتب، مقالات و پایان نامه‌ها تا حدودی مربوط به موضوع کار شده است؛ از جمله کتاب کرامت انسانی نوشته عبدالله جوادی آملی و در بحث سیاست کیفری به صورت پراکنده در حقوق جزای عمومی به آن اشاره شده است و به صورت جسته و گریخته کتاب‌ها، پایان نامه‌ها و مقالاتی به چاپ رسیده است که بیشتر به سیاست جنایی در امور غیرکیفری اشاره نموده‌اند و به رعایت کرامت انسانی در امور ضابطین و تاثیر فقدان شاخص‌های این کرامت در بزهکاری به صورت جامع و کامل اشاره نشده است.

و اما اهم آثار مرتبط با موضوع به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- کتاب کرامت انسانی در حقوق کیفری نوشته اسمعیل رحیمی نژاد (۱۳۸۷) که صرفاً به رعایت کرامت انسانی در تعیین و اجرای مجازات پرداخته است.
- ۲- کتاب کرامت انسانی مانع گسترش جرم انگاری نوشته سعید قماش (۱۳۹۴) بیشتر به رفتارها و فضیلت اخلاقی انسان‌ها پرداخته است و به تخلف‌های اخلاقی که با کرامت انسانی در تضاد می‌باشد مورد بررسی قرار گرفته است.
- ۳- پایان نامه تاثیر کرامت انسانی در حقوق جزا (دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۸۹) که مفاهیم کلی کرامت و فلسفه مجازات‌های ظالمانه و نامتناسب را به بحث کشیده است.
- ۴- مقاله نقش رعایت کرامت انسانی در پیشگیری از جرم (۱۳۹۵)
- ۵- مقاله کرامت انسانی راهبرد نوین سیاست جنایی (۱۳۹۰)

### مفهوم سیاست جنایی پیشگیرانه

اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار در سال ۱۸۰۳ م توسط فوئر باخ به کار رفت که برای پیشگیری از جرم بر روش کیفری آن تاکید داشت. سیاست جنایی یک رشته مستقل در علوم جنایی است که تعریف‌های متفاوتی از آن شده است. جامع‌ترین تعریف از دلماس مارتی است که در تعریف وی چنین آمده است: «سیاست جنایی مجموعه شیوه‌های است که هیات اجتماع با استفاده از آنها پاسخ‌هایی علیه پدیده مجرمانه را سازمان می‌دهد (مارتی، ۱۳۸۱: ۵۹) که در واقع سیاست کیفری و غیرکیفری در آن نهفته است. در تعاریف سیاست جنایی ابتداً معنای مضیق آن که بیشتر مبنای سیاست کیفری را شامل می‌شد مورد توجه بود اما امروزه معنای موسع آن یعنی علاوه بر سزادهی بزهکاران، موضوع سیاست غیرکیفری (پیشگیرانه) قوت پیدا کرده و مورد توجه قرار گرفته است. سیاست جنایی در معنای موسع آن شامل مطالبه اقدام-

ها و تدابیر متنوعی است که دولت و جامعه مدنی اختصاصاً برای سرکوبی پدیده مجرمانه، پیشگیری از آن، حمایت از بزه دیده‌گان مستقیم و غیر مستقیم بزهکاری در نظر گرفته و در قالب آیین نامه‌ها و روش‌های مختلف به عنوان پاسخ به وضعیت‌های پیش جنایی یا ماقبل بزهکاری، جرایم ارتكابی و نیز ترمیم آثار زیان بار جرم از جمله پیشگیری از تکرار جرم اعمال می‌کنند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۴۰) در این معنای موسع تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌شود و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... نیز برای کنترل بزهکاری در نظر گرفته می‌شود. لذا تفکر سیاست جنایی تدابیری است که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود. (عظیم زاده اردبیلی و حسایی، ۱۳۹۰: ۱۱۹)

سیاست جنایی پیشگیرانه، شاخه‌ای از سیاست جنایی است که موضوع آن تعیین و پیشنهاد اقدام‌های کیفری و غیرکیفری به منظور پیشگیری از جرم است. به طور کلی سیاست جنایی پیشگیرانه ماهیتی غیرقهرآمیز داشته و به دنبال کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی، اجتماعی و وضعی در وقوع جرم می‌باشد. مقنن پیرامون جرم شناسی پیشگیرانه نیز در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی بسترهای سیاست‌گذاری این سیاست غیر کیفری را فراهم و به آن توجه نموده است.

اهمیت کار پیشگیری از جرم به ویژه در عصر کنونی و در آستانه ورود به فضای خطرناک آینده که در آن آثار و تنوع جرایم سبب نگرانی عام و خاص در سطوح مختلف شده دوچندان می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۹۶: ۵۱) چرا که اهم تحقق این سیاست از سوی قوه مجریه به عنوان رکن اجرایی کشور جهت تطبیق تدابیر اتخاذ شده از سوی قانونگذار در زمینه از بین بردن عوامل و بسترهای جرم با احقاق حقوق اولیه افراد مورد تاکید سیاست جنایی پیشگیرانه می‌اشد. لذا قوه مجریه و نهادهای مرتبط و وابسته به آن نقش بسزایی در احقاق سیاست جنایی پیشگیرانه و تامین حقوق ذاتی و بنیادی افراد در جهت جلوگیری و پیشگیری از جرایم و بزهکاری را دارند. هر چند در اصل ۱۵۶ قانون اساسی کشورمان در مقام بیان وظایف قوه قضاییه به پیشگیری از جرم نیز اشاره شده است ولیکن با توجه به محدوده اختیارات قوه قضاییه بخش مهمی از موضوع پیشگیری از جرم متناسب با ابزار و امکانات کافی برای اصلاح شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این قوه نیست چرا که تدابیری که می‌تواند در مرحله پیش از ارتكاب جرم موجب پیشگیری شود از حوزه اختیارات این قوه خارج است، فی الواقع تنها پیشگیری کیفری که ناظر بر وضعیت پس از ارتكاب بزه می‌اشد می‌تواند از زمره وظایف این قوه به شمار آید.

**فقدان اهم شاخصه‌های کرامت انسانی مرتبط با احقاق حقوق اولیه انسان‌ها در بزهکاری**  
مهمترین شاخصه‌ها و معیارهای حداقلی کرامت انسانی که لازم است تمامی افراد انسانی

از بدو تولد داشته باشند عبارتند از: حق حیات، امنیت، آزادی‌های اساسی و عمومی (آزادی- های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عقیده، بیان، اندیشه و...)، رفاه و آسایش حداقلی، رفع فقر و محرومیت، تفریحات سالم، ارزش نهادن به قدرت عقلانی و ریشه‌کنی جهل، داشتن شغل و مسکن مناسب، حق شرکت دادن افراد در اداره عمومی، انتخابات، احزاب سیاسی و... حق برخورداری از آموزش رایگان، حق محاکمه عادلانه، حق ارتقاء بهداشت جسم و روان و... بنابراین اصل حرمت به کرامت انسانی مقرر می‌کند تمامی موجودات بشری فارغ از هرگونه تمایز نژادی، جنسی، قومی، قبیله‌ای، دین، مذهب و حتی مجرمیت آنها و... واجد حیثیت ذاتی انسانیت می‌باشند و باید مجریان قانون به شرافت و کرامت و برآورده نمودن حقوق اولیه آنها که مظهر عینیت بخشیدن به کرامت آنها می‌باشد توجه و حمایت نمایند. تفکیک انسان‌ها به انسان‌های واحد و فاقد کرامت و حرمت یا عدم برابری آنها در کرامت توجیه‌گر نقص بنیادی- ترین حقوق انسان‌هاست اما اگر انسان را محترم به شمار آوریم، خیر تمامی آنان را طلب می- کنیم (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

#### - حق رفاه و آسایش حداقلی (رفع فقر و محرومیت)

محرومیت، فقر و فقدان ضروریات معاش جهت آسایش و رفاه افراد (خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، تشکیل خانواده، اوقات فراغت و به طور کلی تغذیه، سرپناه و سلامتی) به جهت اینکه با حرمت کرامت انسانی در ارتباط هستند از طرفی باعث سلب کرامت و از سوی دیگر در صورت تحقق پیدا نکردن در زندگی انسان‌ها می‌تواند بستر ساز جرم و یکی از عوامل بسیار مهم در تبیین جرم و بزه را در افراد مهیا و فراهم سازد. در جهان بینی اسلام نیز هم چنان که به معاد، توحید و نبوت توجه شده است به «معاش» در کنار معاد به افراد در جهت حراست از کرامت وی تاکید شده است و لازمه زندگی اجتماعی را تلاش انسان- ها می‌داند به طوری که اگر این تلاش جوابگوی ضروریات و حداقل‌های یک زندگی مطلوب را نداشته باشد حکومت و مردم وظیفه دارند آنها را حمایت نمایند چنانکه امیرالمومنین (ع) اشاره کردند. تاکید دین اسلام بر رفع فقر و محرومیت حاکی از آن است که این پدیده آثار پیامدهای منفی‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد چنانچه اگر نسبت به اقدام متناسب از سوی دولت و جامعه در چهارچوب رفاه و آسایش کرامت انسانی صورت نپذیرد مشکلات بیشتری ایجاد می‌گردد. تا آنجا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: شیطان شما را هنگام انفاق وعده فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشاء و زشتی‌ها امر می‌کند. (بقره/۲۶۸) یکی از مفسران در ذیل این آیه می‌نویسد: گفته شده که منظور از فحشاء در اینجا بخل است ولی بهتر است که آن را اعم از بخل بگیریم زیرا انسان در اثر این وسوسه شیطانی و برای تامین آینده خود

ممکن است دست به هر گناه و خلافی بزند و نگرانی از آینده او را به ارتکاب جرایم گوناگون وادار سازد. (جعفری، ۱۳۷۴: ۲۵)

در روایات زراره نقل می‌کند: مردی که به علت نداشتن همسر مرتکب گناه می‌شد بر داستان او آن قدر شلاق زد تا قرمز شد و فرمود تا هزینه ازدواج او را از بیت‌المال بدهند. (دستی، ۱۳۸۰: ۱۲۳)

حجم وسیعی از روایات و احادیث به این امر مهم اشاره دارند (حکیمی و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۷۸-۳۰۵) که می‌توان این آثار را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مشاهده کرد. از جمله این آثار می‌توان به ضعف شخصیت، تحقیر، بی‌ارزش شدن در اجتماع و ایجاد عقده‌های روحی برای فرد اشاره کرد که هر کدام می‌توانند در بالا رفتن میزان جرایم و کجروی‌ها نقش زیادی ایفا کنند. (فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸: ۳۷)

امام صادق (ع) در حدیثی چنین می‌فرماید: «ثروتی که تو را از ظلم و ستم بازدارد، بهتر از فقری است که تو را به گناه و زشتی وا دارد (حکیمی، ۱۳۶۷: ۴۷۵) و یا امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسین (ع) می‌فرمایند: «فرزندم انسانی را که به دنبال کسب روزی خویش است ملامت مکن زیرا کسی که هیچ ندارد لغزش‌هایش بسیار خواهد بود. (مجلسی، ۱۳۹۳: ۴۷)

بر این اساس فقر و محرومیت از حداقل‌های زندگی به عنوان یکی از مسائل اجتماعی در وقوع انحرافات و افزایش میزان آن به ویژه در جرایم سرقت، جرایم زنان، اعتیاد، رشوه خواری، قتل و... بیشتر به چشم می‌خورد و از دیدگاه اسلام‌یون به نوعی انگیزش روی آوردن به جرم و بزه را افزایش می‌دهد و آثار منفی آن در تمامی لایه‌های زندگی و در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، بهداشتی و درمان نمودار است. دسته‌ای از پژوهشگران این رابطه فقر و جرم را رد می‌کنند و معتقدند که «فقر مستقیماً عامل جرم نیست» (کی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۹۶) اولین مطالعات در این زمینه با استفاده از آمارهای نسبتاً دقیق از سوی «کری» و «کتله» صورت گرفت آنها مقایسه‌ای بین نواحی ثروتمند نشین و فقیرنشین فرانسه انجام دادند نتایج بدست آمده برخلاف انتظار آنها تحقیق حاکی از آن بود که تفاوت محسوسی در ارتکاب جرائم بین دو ناحیه وجود ندارد از این رو آنها این نتیجه را گرفتند که جرایم و کجروی معلول «فرصت» است. (برنارد و جفری، ۱۳۸۰: ۱۰۵) یا پژوهش‌های «بی‌ناتل» که فقر را تنها عامل تقویت استعداد بزهکاری محسوب می‌نماید. (کی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۹۶-۱۹۸) در دین مبین اسلام همواره بین فقر و فقدان تامین حداقل‌های رفاه زندگی و انحرافات اجتماعی همستگی و یک رابطه مستقیمی وجود دارد هر چند این رابطه قابل اثبات نیست. ولیکن فقر به عنوان موضوع احکام مورد توجه فقها قرار گرفته و آنان برای مبارزه با فقر و نیز محو آن به شناسایی آن و دامن‌اش

پرداخته‌اند و احکام ویژه‌ای از قبیل زکات، خمس، صدقات، جرایم مالی (کفارات)، وقف، وصیت و .... را برای مسلمانان به ویژه ثروتمندان و نیز دولت اسلامی در نظر گرفته‌اند. (دادگر، ۱۳۷۸: ۹۳) فقرا معمولاً در عرصه اجتماعی حضور چندانی ندارند و از مشارکت در فعالیت‌های عمومی مثل فعالیت در نهادها و سازمان‌های بزرگ پرهیز می‌کنند و در هیچ یک از انجمن‌های عام المنفعه و داوطلبانه عضو نمی‌شوند این امر ناشی از فقدان منابع مالی یا تبعیض و امثال آن است. در سطح خانواده شرایط بسیار دشواری وجود دارد که مسکن نامناسب و بالا بودن نرخ زاد و ولد از جمله آنهاست. از جهت مراقبت‌های بهداشتی و دسترسی به خدمات بهداشتی، وضعیت نامساعدی وجود دارد خدمات درمان و بهداشت بسیار پایین و بی کیفیت است. گروه‌های نیازمند به این خدمات که بیشتر شامل کودکان، شیرخوارگان، زنان باردار و سالخوردگان می‌شوند به سبب پایین بودن کیفیت خدمات بهداشتی دچار مصائب و مشکلات فراوانی هستند همچنین سوء تغذیه، کمبود کالری و ویتامین‌ها به ویژه در دوران بارداری منجر به بروز معلولیت‌ها و مشکلات جسمی و روانی فراوانی می‌گردد که به طور قطع در آینده شغلی و کسب مهارت افراد تاثیرگذار است. (راچ، ۱۳۵۴: ۱۰۵-۱۰۶)

در بعد فقر فرهنگی و کمبود امکانات آموزشی رایگان همواره افت تحصیلی و ترک تحصیل وجود دارد. جامعه شناسان فرهنگ‌گرا اظهار می‌دارند که اصولاً طبقه پایین به علت بر خورداری از الگوی رفتار خاص، چندان میل و رغبتی به تحصیل از خود نشان نمی‌دهد (افروغ، ۱۳۷۹: ۷۰) فقر به طور مستقیم و غیر مستقیم افزایش فعالیت‌های مجرمانه را به دنبال دارد لذا این استدلال می‌شود که در هر اجتماعی که نرخ جرم رابطه مستقیم با نرخ فقر داشته باشد، افزایش فقر موجب افزایش جرم می‌گردد.

بر همین اساس رفع فقر و تامین حداقل‌های زندگی افراد انسانی از جمله ضروریات خوراک، پوشاک، مسکن و آموزش و... در راستای اصل کرامت انسانی و حقوق اولیه و فطری هر فرد و به تبع زدودن کجروی‌ها و از بین بردن بسترهای عوامل جرم در دین مبین اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. حال به برخی از آثار و پیامدهای بزهکاری فقدان این نوع کرامت حداقلی افراد به شرح ذیل پرداخته می‌شود:

### ۱- سرقت

در ادبیات اقتصاد رفاه، حداقل داشتن ضروریات معاش در برآورده ساختن حقوق اولیه انسان‌ها یک رجحان است لذا هر پارامتری که بتواند معیارهای حداقلی یک زندگی مطلوب را بالا ببرد سطح رضایتمندی افراد را افزایش داده و میزان ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه را کاهش می‌دهد. جرم سرقت با فقر رابطه‌ای بسیار روشن دارد با توجه به مشکلات و معضلاتی که در

زندگی روزمره انسان‌ها در اثر محرومیت‌های اقتصادی ایجاد می‌شود، ساده‌ترین راه برای رسیدن به اهداف مطلوب زندگی، سرقت اموالی است که اوضاع وی را بهتر می‌کند. لذا شرایط اقتصادی فرد جرایم مالی متنوعی را ایجاد می‌کند. در تحقیقی که صورت گرفته افراد فقیر بیشتر به دنبال جرایمی مثل سرقت و اعتیاد هستند و در مقابل کسانی که وضع مالی بهتری داشتند به دنبال فحشاء، کلاهبرداری و قتل می‌باشند. (اولین سمینار فقر و فقرزدایی، ۱۳۶۹: ۱۰۴) لذا هر چند طبقات بالای اجتماعی مرتکب جرم سرقت می‌شوند ولی به هر صورت پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین فقر اقتصادی، بیکاری و جرم سرقت رابطه معناداری وجود دارد. (مساواتی، ۱۳۷۴: ۳۱۷-۳۱۸) که بیشتر جرایم صورت گرفته از این حیث افرادی هستند که چنانچه ضرورت‌ها و حداقل‌های زندگی آنها تامین می‌شد و مورد پشتیبانی مالی و کاری قرار می‌گرفتند چه بسا در گرداب سرقت‌های مالی نمی‌افتادند هر چقدر آمار بیکاری و فقر در جامعه افزایش یابد به همان نسبت آمار سرقت هم در جوامع بالاتر می‌رود. اصولاً یکی از آثار زندگی فقیرانه زندگی آنها در محله‌های خاصی است که معمولاً نیروهای کنترل کننده هم در آنجا ضعیف می‌باشد لذا به جای صرف هزینه‌ها در جهت تقویت نیروهای کنترل کننده فقر و نابرابری را باید ریشه کن کرد و چنانچه دولت با تامین حقوق افراد از جمله افزایش یارانه‌های معیشتی، اشتغال، آموزش‌های رایگان و بهداشت رایگان و..... در رفع محرومیت زدایی مشارکت نماید قطع به یقین در چنین جوامعی سرقت‌های ناشی از فقر به حداقل می‌رسند. هر چند طبقات مرفه- نشین جامعه نیز جرایم مالی متنوعی به سبب هوا و هوس، حرص، طمع و مال دوستی را مرتکب می‌شوند اما بسیاری از سرقت‌ها ناشی از فقر، فلاکت و نداری است. در برخی روایات ارتباط بین فقر و سرقت دیده می‌شود. به عنوان نمونه درباره نحوه اجرای احکام از سوی حضرت علی<sup>(ع)</sup> روایت شده است که جوانی را که دزدی کرده بود انگشتان دست او را قطع کرد؛ چند روزی نگه داشت و فرمود که از بیت‌المال به او لباس و غذا بدهند (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۲۳) چرا که اگر ضرورت‌های نیاز وی تامین شود جوان بار دیگر مجبور به سرقت و دزدی نخواهد شد.

## ۲- اعتیاد

براساس آمارهای موجود نوعی ارتباط بین فقر و اعتیاد وجود دارد به عنوان نمونه برطبق آماري که در سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۱ انجام گرفت این نتیجه بدست آمد که بین تغییرات نسبت خانوارهای زیر خط فقر نسبی و تعداد دستگیرشدگان مرتبط با مواد مخدر همبستگی بالایی وجود دارد و نیز یافته‌های برخی پژوهشگران نشان می‌دهد که در اعتیاد چهار عامل مهم وجود دارد که سه عامل آن یعنی فقر اقتصادی، بیکاری و فقر فرهنگی به شکلی با فقر و نابرابری‌های اقتصادی مرتبط هستند. (رییس دانا، ۱۳۷۹: ۳۱۵)



بنابراین کمبود و محرومیت‌های شدید مالی، فقر فرهنگی و تربیت نادرست عامل بسیار مهم در گرایش نوجوانان به سمت و سوی اعتیاد به مواد مخدر سنتی، صنعتی و روان‌گردان‌ها می‌باشد. همواره خانواده‌هایی که در زیر خط فقر دست و پنجه نرم می‌کنند معمولاً به علت سطح تحصیلات و آگاهی پایین نسبت به مسائل تربیتی و آموزشی فرزندان و عدم همنوایی آنها با هنجارهای رسمی جامعه، هنجارشکنی فرزندان در قالب فقر فرهنگی و اقتصادی در ایجاد شوک‌های روانی و روحی بر آنها برای مصرف به مواد مخدر دوچندان می‌کند. به تعبیری فقر و اعتیاد به نوعی می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند.

### ۳- جرایم زنان

شرایط جسمانی، روحی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سبب شده تا نرخ جرایمی از قبیل اعمال منافی عفت، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در زمان بالا باشد و در برخی از آنها مانند اعمال منافی عفت ۳/۱ کل جرایم زنان را شامل گردد. در این زمینه آمارها نشان می‌دهد که اعمال منافی عفت از ۴۹۵۴۲ مورد در سال ۱۳۶۵ به ۵۹۳۷۴ مورد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است. (مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، ۱۳۷۰) از سوی دیگر زنان به جهت وابسته بودن اقتصاد آنها به مردان خصوصاً در زمانی که این وابستگی به علت طلاق، ترک همسر و... اتفاق افتاده باشد بیشتر در معرض آسیب قرار می‌گیرند. لذا این زنان به علت نداشتن نیازهای اولیه معیشت خود و در صورت عدم حمایت مالی از طرف دولت در جهت حفظ کرامت آنها، قادر به مقابله با شرایط ناتوانی اقتصادی و گذران زندگی کنونی را ندارند و بیشتر در معرض بزهکاری قرار می‌گیرند و آنها با هدف کسب درآمد ولو تامین ضرورت‌های حداقلی معیشتی دست به جرایمی همچون اعمال منافی عفت، اعتیاد و سرقت‌های جزئی می‌زنند. به عنوان نمونه می‌توان به پژوهش «محمدعلی پولادی» و «گلرخ شلویری» اشاره کرد آنها با نمونه برداری از ۷۸ زندانی در زندان سپیدار اهواز به این نتیجه رسیدند که بین مشکلات اقتصادی- اجتماعی و نوع جرم رابطه وجود دارد. براساس نتایج تحقیق تاثیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی در نوع جرم افراد به ترتیب نزولی شامل جرم حمل، خرید و فروش (قاچاق) مواد مخدر، روابط نامشروع و قتل می‌باشد (روزنامه ایران ۶ آذر ۱۳۸۲) براین اساس لازم است دولت و نهادهای وابسته به آن تدابیر مناسب در جهت حراست از قداست زن از حقوق اولیه و ذاتی آنها خصوصاً زنانی که بر اثر مشکلات طلاق و... مستقل از مردان به زندگی خود ادامه می‌دهند می‌کنند در جهت یک زندگی مطلوب حمایت‌های مالی، آموزشی، هنری، فعالیت و کار و... را در راستای برنامه‌های خود و در جهت پیشگیری از بزهکاری زنان به کار گیرند.

## حق آزادی‌های عمومی

آزادی‌های اساسی به معنای فقدان اجبار و فشار از جانب دیگران و به مجموعه حقوق و آزادی‌های گفته می‌شود که انسان‌ها برای حراست از کرامت بشری و خودشکوفایی در اجتماع از آنها برخوردار می‌باشند. از نظر اسلام آزادی پدیده انسانی است که در سرشت آدمی به عنوان حق نهاده شده است رابطه منطقی و پیوند حقیقی میان مسئله آزادی و قانون در امور جامعه وجود دارد که سبب می‌شود بشر در اندیشه تلفیق میان آزادی خود و قانون برآید. آدمیان به صرف انسان بودن واجد آزادی هستند. فیلسوفان از آن به عنوان «اختیار» یاد می‌کنند آدمیان به اعتبار انسان «مختار» هستند که حکومت‌ها، احزاب و دولت‌ها می‌توانند تجلی اختیار آنها را محدود کنند. در بحث آزادی تعاریف متعددی آمده است؛ جان استوارت میل می‌گوید: آزادی عبارت است از اینکه هر انسانی بتواند مصلحت خویش را به شیوه مورد نظر خود دنبال کند مشروط به اینکه به مصالح دیگران آسیبی نرساند. (جان استوارت، ۱۳۷۵: ۱۲۵) کانت آزادی را استقلال انسان از هر چیز به جز «قانون اخلاقی» می‌داند. (کرنستون، ۱۳: ۱۳۷۰)

اصل آزادی یکی از اساسی‌ترین پایه‌های دین شریعت اسلام است چنان که امام اول شیعیان علی (ع) به فرزندش می‌گوید: «هرگز بنده دیگری مباش زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است. (نهج البلاغه، نامه ۱۳، بند ۸۷ : ۱۲۸)

در آزادی‌های سیاسی و جلوه‌های مختلف آن از جمله «آزادی اندیشه و بیان، آزادی عقیده و ایمان، مطبوعات و...» زمانی محقق می‌شوند که دولت از باور عمیق و از ویژگی‌های تربیتی و روحی خاصی برخوردار باشند دیگر اینکه بستر جامعه را چنان مهیا نمایند که «معتراض» امکان اعتراض و دانشمندان نیز اجازه اظهارات منتقدانه و ادیان آزادانه بر شعائر دینی خود پایبند و مطبوعات به دور از خود محوری، خواسته‌های حقیقی و قانونی لایه پنهان جوامع را منتشر و به گوش مردم برسانند در خصوص آزادی دین و مذهب باید گفت دین اسلام صرفاً بر پایه یک زندگی مادی استوار نیست بلکه با سیر به سوی کمال مطلق خود را برای دنیای جاویدان آماده می‌کند لذا حمایت معنوی و اخلاقی انسان‌ها به سوی خداوند از منظر اسلام حائز اهمیت است البته این به معنای مجازات انسان‌ها از عقیده باطل از دیدگاه اسلام نیست بلکه مصداق لا اکره فی الدین قد تبیین الرشد من العی می‌باشد.

آزادی‌های اجتماعی یکی از انواع آزادی‌های مدنی محسوب می‌شوند که در اصول قانون اساسی بسیار به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است به معنی نجات دادن انسان از بندگی، بردگی و اسارت دیگران می‌باشد و دیگران مانعی در راه رشد و شکوفایی آنها نباشند و او را به یک زندانی در نیابند که جلوی فعالیتش را بگیرند و به تعبیری قوای جسمانی و اندیشه انسان‌ها را در

اختیار و در استخدام گروه خاصی قرار نگیرد که در اصول ۱۹، ۲۰ و ۲۱ ق.ا بر آن تصریح شده است. قانون اساسی در اصل ۲۶ فعالیت احزاب و جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و... را مشروط به رعایت موازین شرعی آزاد دانسته است و در اصل ۲۷ نیز شرکت مردم را در راهپیمایی‌ها در صورتی که مخالف مبانی اسلام نباشد بلامانع اعلام نموده است.

آزادی شغل و حق انتخاب کسب و کار از دیگر حقوق ذاتی انسان‌ها به شمار می‌آید که انتخاب آن را به صورت آزادانه دارند. در بیان مفهوم حق آزادی شغل باید گفت که کسی از افراد جامعه را نمی‌توان وادار به شغلی معین که علاقه‌ای به آن ندارد مجبور کرد و یا او را از شغلی که خود می‌خواهد منع نمود. مع الوصف برای تحقق این اصل ضرورت دارد دولت با سیاست‌گذاری‌های صحیح بسترهای اشتغال را در زمینه‌های متنوع و متناسب با تحصیلات و تجارب افراد برای همگان فراهم نماید تا همه افراد قادر به شغلی که خواهان آن هستند اشتغال پیدا کنند براساس اصل ۲۸ ق.ا هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و حقوق عامه نباشد برگزیند و دولت را موظف به تامین و فراهم نمودن کار برای همه افراد نموده است. در اصل ۴۳ نیز به عدم اجبار افراد به انجام کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری اشاره شده است و در بند دوم اصل مذکور دستیابی مساوی به فرصت‌های شغلی را برای همه افراد به طور یکسان بیان نموده است. در صورت فقدان آزادی در شغل، افرادی که به صورت اجبار یا فقط به جهت گذران زندگی نه میل شخصی خود وارد شغلی شده باشند ممکن است بعدها زمینه بستر انحرافات و جرم در حوزه رشوه خواری و یا امتناع از وظایف قانونی خود و... اتفاق بیافتد.

### - حق حیات و امنیت زندگی شخصی

حق حیات و زندگی آسان‌ها از زمره حقوقی هستند که سایر حقوق از آن نشات می‌گیرد هر فرد انسانی که بخواهد مدارج عالی را طی کند باید در مرحله اول حیات داشته باشد. از منظر قرآن حیات بنیادی‌ترین تحفه‌ای است که به انسان داده شده است خداوند در این باره می‌فرماید: چگونه به خدا کفر می‌ورزید در حالی که شما مرده بودید خدا شما را زنده کرد و پس از آن شما را خواهد میراند و سپس شما را زنده می‌کند و پس از آن به سوی او باز می‌گردید (بقره/۲۸) و برای حراست از این حق ذاتی و فطری انسان‌ها، خداوند تجاوز به آن را مورد مجازات قرار داد به طوری که در سوره بقره آیه ۱۷۹ می‌فرماید: و قصاص برای حفظ حیات شماست ای خردمندان تا مگر از قتل یکدیگر بپرهیزید و در سوره نساء آیات ۹۲-۹۳ پرداختن دیه و کفاره را به عنوان کیفر قتل غیر عمد تعیین نموده است.

علامه طباطبایی در تعریف حیات می‌نویسد: زندگی در انواع حیوان که ما می‌بینیم این

است که چیزی به گونه‌ای باشد که درک کند و فعالیت انجام دهد. (علامه طباطبایی، ۱۴۰۶ق: ۳۷۱)

در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق حیات، آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شده است اساس همه حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی متعاقب آن‌ها از جمله: رهایی از بردگی، شکنجه و بازداشت خودسرانه و حقوق مربوط به محاکمه منصفانه، آزادی بیان و مسافرت، عدم مداخله در زندگی خصوصی و اصل برائت، حق ازدواج و تشکیل خانواده نظایر آنهاست که در مواد سوم تا بیست و یکم اعلامیه حقوق بشر مندرج است. (حقوق بشر در جهان امروز ۱۳۷۹: ۶)

حق حیات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۲ مورد تاکید قرار گرفته است و حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را از هرگونه تعرض در امان دانسته است.

بنابر آنچه گفته شد حق حیات انسان‌ها یک امر ذاتی و کرامت افراد محسوب می‌شود که خداوند متعال از بدو خلقت به آنها عطا کرده است و دولت موظف به حمایت و فراهم نمودن بستری مناسب (اعم از سالم بودن محیط زیست، آب و هوا، بهداشت و سلامت، امنیت زندگی شخصی و...) جهت ادامه زندگی می‌باشد و چنانچه بر اثر قصور و سهل انگاری عوامل، حیات و زندگی افراد به خطر بیافتد به تبع میل و گرایش به بزهکاری در جامعه به سبب ناامن بودن فضای زندگی و حیات بشریت افزایش پیدا می‌کند و افراد به سمت و سوی جرایم کشانده می‌شوند. لذا چون انسان کرامت ذاتی دارد و خداوند متعال این حقوق را در او به ودیعه گذاشته است نمی‌توان حق حیات فردی و اجتماعی و امنیت یک زندگی مطلوب را از او سلب نمود مگر اینکه عمل وی به عنوان جرم در دادگاه صالحه اثبات شود و همه افراد بشر ولو مجرم از این حقوق برخوردارند لذا مجرم را نمی‌توان توهین کرد و از حق آب و غذا محروم کرد.

عدم برخورداری از زندگی مطلوب و نداشتن تصویر روشن و امیدوار کننده افراد از زندگی خود، خانواده و جامعه به جهت نبود امنیت بر شاخصه‌ها و معیارهای با میزان و نرخ آسیب‌های اجتماعی و میزان و نرخ وقوع جرایم و بزهکاری و آشفتگی‌های اجتماعی و... تاثیرگذار می‌باشد. لذا امنیت و حق حیات از دوران کهن مهم‌ترین دغدغه انسان بوده است و از زمان انسان‌های اولیه به عنوان اساسی‌ترین رکن زندگی پس از آب و غذا مطرح بوده است که در بخش‌های گوناگون خصوصاً امنیت فردی و نظم اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد و منجر به بزهکاری‌هایی از جمله فروش مواد مخدر در محل زندگی، سرقت در منازل، باج-گیری، مرگ‌های مشکوک، پرخاشگری، جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم خشن و... و

آسیب‌های اجتماعی از قبیل حضور معتادین در محله‌ها، تکدیگری، مزاحمت‌های خیابانی، تظاهر اراذل و اوباش، احساس تنش و بدبینی، حسادت و آواره شدن و ... می‌شوند. وجود یک محیط امن و امنیت در زندگی شخصی و برخوردار بودن از زندگی مطلوب و به دور از اضطراب و نگرانی، یک موهبت حیاتی برای افراد می‌باشد. در حالی که احساس ناامنی و فقدان استانداردهای حداقلی یک زندگی مطلوب بر سایر فعالیت‌های انسان تاثیر گذاشته و امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی به درستی انجام نمی‌پذیرد و حتی گاه‌ها ناپهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی از قبیل ولگردی، تکدی‌گری و... و احتمال وقوع جرایم خشن، سرقت و... در انسان‌ها نمایان شوند. ناامنی این بزهداری‌های بالقوه را به بالفعل تبدیل کند. لذا ناامن بودن زندگی و ... محیط و بستر را برای جرایم و ناهنجاری‌های پیش گفته شده مهیا و فراهم می‌کند. لاکاسانی معتقد بود هر جامعه جنایتکارانی دارد که مخصوص آن جامعه است و مجرم، قربانی بیچاره نظام اجتماعی است و این نقص سازمان است که او را جنایتکار کرده است. (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۳۰) سکونتگاه

#### - حق محاکمه عادلانه

حق محاکمه عادلانه در اسناد بین‌المللی مهمی از جمله مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، بندهای ۲-۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و اسناد منطقه‌ای نظیر ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) به رسمیت شناخته شده است. حق محاکمه عادلانه حقی است که شامل استماع عادلانه و علنی، تساوی و برابری طرفین، رسیدگی در دادگاه ذیصلاح، مستقل و بی طرف انجام شود که حقی مطلق می‌باشد. لذا کلیه افراد در مقابل قانون مساوی بوده و چنانچه هرگونه تبعیض براساس جنسیت، مذهب، عقیده، رنگ، زبان و... در بهره‌مندی افراد از حقوق یا حمایت آنها در برابر قانون تاثیرگذار باشد در این صورت محاکمه افراد بر مبنای آن قانون، نقص حق محاکمه عادلانه محسوب می‌شود. از دیگر حقوق محاکمه عادلانه حق تجدید نظرخواهی در محکومیت و مجازات می‌باشد و چنانچه در جایی حق تجدید نظر خواهی در احکام کیفری از فردی سلب شود در واقع حق محاکمه عادلانه او نقص شده است. برخی دیگر از شروط حق محاکمه عادلانه، عدم اجبار به شهادت علیه خود یا اجبار به اقرار و اعتراف یا رعایت آیین دادرسی مطابق با سن افراد بالغ، حق داشتن وکیل، حق استماع شهادت شهود و جرح شهادت و... می‌توان به آنها اشاره کرد. حق محاکمه عادلانه با تفاوت‌های که وجود دارد به صورت اجمالی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است و برخی از اصول در اصول ۱۹، ۲۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۱۵۶ می‌توان یافت. به عنوان نمونه در اصل ۳۶ به «حکم به مجازات و اجراء آن

باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» اشاره دارد. در بند ۱۳ منشور حقوق شهروندی با عنوان «حق برخورداری از دادخواهی عادلانه» آمده است: حق شهروندی است حقی است که به منظور دادخواهی آزادانه و با سهولت به مراجع صالح و بی طرف قضایی، انتظامی، اداری و نظارتی دسترسی داشته باشند هیچ کس را نمی‌توان از این حق محروم کرد. همچنین در اصول دیگر منشور حقوق شهروندی اصل برائت، اصل داشتن وکیل، محاکمات علنی، حفظ مشخصات هویت طرفین و... مورد تاکید می‌باشد.

جرائمی که پس از ارتکاب جرمی یا پیش از تضييع حقی، مانع از اجرای عدالت در مورد طرفین دعوا یا مرتکبین جرم برود، جرایم علیه عدالت قضایی است مانند: فراری دادن محکومان، شهادت دروغ، و... که در مجموع می‌توان جرایم مذکور را به چهار دسته تقسیم نمود: (۱) جرایم قبل از تعقیب که به صورت جرایم خودداری از اعلام جرم، اخفاء یا دفن بدون مجوز جسد مقتول، مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه، از بین بردن اسناد اثبات جرم تبلور پیدا می‌کند (۲) جرائم در حین تعقیب که مشتمل بر جرائم مسامحه در دستگیری، فرار از زندان، مساعدت یا تبانی در فرار، مخفی کردن وسایل فرار متهم، صدور گواهی خلاف واقع پزشک و... (۳) جرائم در حین دادرسی که مشمول جرائم شهادت دروغ، امتناع از انجام وظیفه قانونی، اعمال نفوذ، تهدید مقامات قضایی و... می‌شوند (۴) جرائم بعد از صدور حکم که به صورت جرائم عدم معرفی مال یا ارائه صورت خلاف توسط محکوم علیه، عدم اجرای احکام قضایی توسط ضابطین و... به منصفه می‌رسند.

### حق آموزش

حق آموزش رایگان از دیگر حقوق اولیه و ذاتی هر فرد می‌باشد که در دین مبین اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی مورد تاکید می‌باشد.

حق بر آموزش شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصص‌های عملی از طریق آموزش کاربردی، نظیر آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۰۱) چرا که خانواده به تنهایی قادر به تمام ارائه آموزش‌های لازم نمی‌باشد.

در منابع دینی در باب اهمیت تعلیم و تعلم بسیار سخن رفته تا جایی که این شیوه تربیت و آموزش به عنوان یکی از اهداف انبیاء شمرده شده است. (توحیدی، ۱۳۸۵: ۱۵۴) یگانه راه پیشرفت فضیلت اخلاقی افراد در گرو تعلیم و تربیت نفس آدمی است و انبیاء مهم‌ترین هدف خود را تلاش در این زمینه می‌دانستند. چرا که دوری از گناه و جرم و جنایت از تعلیم و تعلم نشأت می‌گیرد. حق آموزش در اسناد حقوق بشری و اسناد بین‌المللی نظیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد ملاحظه جدی قرار گرفته است. ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی همین مضامین از جمله اجباری و رایگان بودن آموزش ابتدایی، تعمیم آموزش و پرورش متوسطه، حرکت به سمت مجانی کردن آموزش متوسطه و... را بیان کرده و در بند ج اعلام داشته: «...ج: آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی به ویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل براساس استعداد هرکس در دسترس عموم قرار گیرد. (مهرپور ۱۳۸۷: ۷۲)

از مهمترین دلایل رفتارهای پرخطر و خشونت بار انسانی (قتل، آدمکشی و...) اختلافات عقیدتی، اختلافات قومی و قبیله‌ای، مسائل جنسی و ناموسی، اختلافات مالی و ملکی می‌توان برشمرد که با آموزش‌های ابتدایی اولیه توسط نهادهای متولی می‌توان این قبیل بزهکاری‌ها را به حداقل ممکن رساند. چرا که با آموزش‌های کلی و اساسی قطعاً کرامت انسانی افراد مورد توجه قرار می‌گیرد و کمتر به چنگال جرم و از بین بردن کرامت دیگر انسان‌ها می‌افتند. در بیشتر مواقع فقر آگاهی و علمی موجبات ایجاد کجروی و جرم هستند به طوری که هر چه سطح آگاهی افراد بالا رود میزان نرخ بزهکاری کاهش پیدا می‌کند، لذا از طریق بالا بردن اخلاق انسانی و آموزش‌های عملی می‌توان از ارتکاب جرم افراد کاست. با در نظر گرفتن سطح ارزیابی ساختار بزهکاری سواد و آگاهی‌های مردم نشان می‌دهد که جرائم علیه اشخاص، اموال، تجاوز به عنف، اخذ مال به عنف و سرقت از جرایم مهم فاقد آموزش‌های اولیه است. همچنین براساس یک نمونه تحقیق از جامعه آماری زندانیان مشاهده شد که بین سطح سواد و تحصیلات و جرم زندانیان براساس تحلیل داده‌های پژوهش یک رابطه مستقیم وجود دارد. نتیجه پژوهش بر این پایه استوار بود که درصد بالایی از افراد بزهکار علت جرم آنها فقر مالی، سواد و بی اطلاعی از قوانین می‌باشد هر چند در بزهکاری عوامل اجتماعی و روانی هر دو بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و با یکدیگر همبستگی دارند ولی آمار بدست آمده حاکی از آن است که انسان‌ها به دلیل فقر مالی و سواد پایین به فعالیت‌های مجرمانه (سرقت، فروش مواد مخدر، نزاع، قتل و بعضاً آدم ربایی) وادار می‌شوند. (همتی، ۱۳۹۵: ۶۵)

### - حق مسکن

شرایط فقدان و نامناسب بودن مسکن یکی از عواملی است که از طرفی تعادل روانی انسان‌ها را مختل کرده و مانع تفاهم و سازش اجتماعی آنها می‌گردد و از سوی دیگر با گسترش این افراد به سمت و سوی حاشیه نشینی و همچنین تنوع در تجملات و اختلافات فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی ساکن شهرها، گرانی و سنگینی هزینه‌های جاری زندگی به تبع و با از بین بردن ارزش‌های انسانی به دلیل فقدان مسکن، کجروی‌های اجتماعی در میان آنها سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشاء و نظایر آن گسترش می‌یابد.

نداشتن مسکن و یا مسکن نامناسب به دلیل تمایل فرد به گذراندن وقت بیشتر در خارج از منزل با فعال کردن عامل نداشتن خانواده منسجم و تاثیر افراد ناباب، منازل فاقد تهویه مناسب و... نقش مهمی در ارتکاب اعمال نابهنجار و... در ارتکاب جرم را دارند. همچنین مسکن نامناسب با ایجاد احساس فقر و محرومیت در فرد و تمایل او به بهتر نمودن مسکن و خریداری مسکن که حق اولیه همه افراد است وی را جهت رسیدن به اوضاع بهتر، رفتار مجرمانه را افزایش داده است. استاد گسن در کتاب جرم‌شناسی نظری بیان کرده است که طبق بررسی‌های گوناگون افراد ساکن در مجتمع‌های مسکونی بیشتر از افرادی که در خانه‌های فردی زندگی می‌کنند مرتکب جرم می‌شوند. (گسن، ۱۳۸۸: ۱۸۵) عدم کفایت مسکن ممکن است آثار نامطلوبی در برداشته باشد به ویژه امکان دارد آثار شومی در حیات کودکان باقی گذارد. در کانونی که بزرگسالان با کودکان خود ناگزیرند شب را در یک اتاق به سر برند چه بسا اتفاق می‌افتد که این کودکان به آسانی شاهد اعمال جنسی شوند حتی گاهی در برخی از خانواده‌ها بی بندبار مخصوصاً اگر پدر الکلی باشد پدر و مادر کوششی در اخفای فعالیت جنسی خود به کار نمی‌برند و ابایی ندارند که کودکان آشکارا تماشاگر این قسمت از زندگی آن باشند. (کی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۳۷)

### نتیجه‌گیری

سیاست جنایی پیشگیرانه شاخه‌ای از سیاست جنایی و تدابیری غیرقهرآمیز و غیر کیفری و در مجموع به اقدامات قبل از ارتکاب جرم بر می‌گردد که معمولاً تحقق این نوع سیاست جنایی با قوه مجریه می‌باشد. برای تحقق سیاست جنایی پیشگیرانه لازم است حقوق اولیه و فطری انسان‌ها که در دین مبین اسلام، قانون اساسی و اسناد بین‌المللی بر آن صحه گذاشته‌اند و از حق رفاه، آسایش و حق زیستن انسان‌ها گرفته تا حقوق آزادی‌های عمومی و اساسی تمامی انسان‌ها در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و داشتن حق دفاع در محاکمات، حق انتخاب شغل، حق محاکمه عادلانه و... برآورده شود. خداوند کریم حقوق اولیه اشاره شده بشریت را مختص انسان دانسته و تسلط آن را بر موجودات دیگر رجحان داده است و یکسان بودن همه افراد را از بهره‌مندی حقوق اولیه و حداقلی انسان‌ها مورد تاکید قرار داده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در فصل سوم تحت عنوان حقوق ملت به حقوق و آزادی‌های اساسی در اصول ۲۴-۲۵ و ۲۶ و... مورد تاکید قرار داده است حال با تاکید دین مبین اسلام و اسناد بین‌المللی بر تحقق این حقوق، قوه مجریه که وظیفه تحقق برآورده ساختن بستر و زمینه حقوق اولیه، فطری و خدادادی افراد جامعه را برعهده دارد نتوانسته است در عمل و اجرایی نمودن این حقوق برای افراد جامعه موفق باشد. حال با فقدان مهیا نمودن بستر این حقوق اولیه افراد جامعه، جرائم متناسب با نبود این شاخصه‌های حداقلی کرامت انسانی توسط



افراد جامعه و برای بدست آوردن حقوق فطری و خدادادی خود چون از راه‌های مشروع و کسب کار حلال امکان برآورده شدن آن را برای فرزندان خود ندارند از راه‌های نامشروع و جرم برای بدست آوردن آنها اقدام می‌کنند. زمانی که انسان‌ها نیازمندی‌های حداقلی خوراک، پوشاک و را به علت نبود شغل و کسب کار متناسب تامین نکنند به ناچار برای تحقق آن و نیز نگرانی او از آینده و مشکلات روحی و روانی در نبود امکانات اولیه رفاهی او را به سمت سوی جرائم سرقت، اعتیاد، فحشاء، رشوه خواری برای کارکنان و قتل سوق می‌دهد.

در صورت فقدان حق حیات و امنیت زندگی شخصی حتی برای مجرمان و متهمان به علت اختلال در امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی افراد جامعه به سوی جرایم قتل، خشونت- های گروهی، تجاوز به عنف، کیف قاپی، جیب بری، چاقو کشی، کودک ربایی، فروش مواد مخدر، فرار از زندان که نشأت گرفته از احساس ناامنی می‌باشد افزایش پیدا می‌کند. جرائم علیه عدالت قضایی معمولاً زمانی به اوج می‌رسد که حق محاکمه عادلانه (استماع شهادت، حق داشتن وکیل، حق تجدید نظرخواهی، حق جرح شهادت، رسیدگی بی طرفانه و مستقل و...) از افراد جامعه سلب شود که منجر به حادث شدن جرایم شهادت‌های کذب، گزارش کذب، عدم اقرار به جرم، خودداری از اعلام جرم، مخفی کردن وسایل متهم، فرار از زندان، فراری دادن متهم و مجرم، امتناع از انجام وظایف قانونی، اعمال نفوذ، تبانی در فرار متهم و مجرم، عدم معرفی مال، شهادت دروغ و عدم اجرای حکم قضایی می‌شود.

در راستای فقدان معیارهای حداقلی انسان‌ها در صورت کمبود آموزش‌های عمومی و اساسی که از حقوق اولیه افراد جامعه به شمار می‌رود معمولاً رفتارهای هیجانی، رفتارهای همراه با خشم و عصبانیت افراد افزایش پیدا می‌کند و کنترل خشم و مهارت‌های زندگی در اجتماع و خانواده رو به زوال می‌رود و در مجموع می‌تواند به جرائم خشن و خشونت بار انسانی (قتل و آدم کشی و...) منجر شود در حالی که می‌توان بخشی از این نوع جرایم را که ناشی از اختلافات مالی، ملکی، عقیدتی، قومی و قبیله‌ای می‌باشد با حداقل‌های آموزشی عمومی افراد در زمینه مهارت‌های زندگی و نحوه کنترل خشم، عصبانیت و افزایش سعه صدر افراد از بین برد. از دیگر حقوق ذاتی انسان‌ها که می‌تواند وی را به سمت رفتارهای انحرافی و جرم سوق دهد، نبود مسکن و یا مسکن نامناسب می‌باشد که در صورت فقدان آن افراد جامعه به علت گذاراندن بیشتر اوقات خود در خارج از منزل و نبود انسجام خانواده، معاشرت با افراد ناباب و تلاش افراد برای وضعیت بهتر دست به رفتارهای پر خطر و جرم (سرقت، فروش مواد مخدر، تکدیگری و نزاع‌های خیابانی) می‌زنند.

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

منابع فارسی

اسناد

- قانون اساسی و قوانین عادی

- اسناد منطقه‌ای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)

- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

- اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی (۱۹۹۰)

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)

کتب

- افروغ، عماد (۱۳۷۹)، چشم اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه فرهنگ و دانش، تهران: نشر میزان

- توحیدی، احمدرضا (۱۳۸۵)، تاملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم در قانون اساسی، قم: نشر معارف

- جان استوارت، میل (۱۳۷۵)، رساله‌ای درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران: نشر علمی و فرهنگی، چاپ چهارم

- جعفری، یعقوب (۱۳۷۴)، تفسیر کوثر، جلد دوم، قم: انتشارات هجرت

- جرج ولد، توماس برنارد و استیپس جفری (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی نظری، علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت

- جک راج، جان رال (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی فقر، ترجمه احمد کریمی، تهران: امیرکبیر

- حسین نجفی ابرندآبادی و محمد هاشم بیگی (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، جلد دوم، تهران: نشر گنج دانش

- دلماس، مارتی (۱۳۸۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، جلد اول، تهران: میزان، چاپ اول

- دشتی، محمد (۱۳۸۰)، امام علی و مسائل قضایی، سازمان تحقیقات نیروهای مقاومت بسیج

- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران: نشر میزان، چاپ اول

- رییس دانا، فریبرز (۱۳۷۹)، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران: مرکز مطالعات رفاه اجتماعی وابسته به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

- فراهانیفرد، سعید(۱۳۷۸)، *نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

- عباس همتی و محمدرضا شمس‌ی(۱۳۹۵)، *نقش تعلیم و تربیت در پیشگیری از بزهکاری، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران*، تهران: انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین

- کرنستون، موریس(۱۳۷۰)، *تحلیلی نوین از آزادی*، جلال‌الدین اعلم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم

- کی‌نیا، مهدی(۱۳۹۲)، *مبانی جرم‌شناسی*، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

- .....(۱۳۹۶)، *مبانی جرم‌شناسی*، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

- محمدرضا حکیمی و همکاران(۱۳۶۷)، *الحیاه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

- *مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت‌ها و رویکردها*(۱۳۷۰)، جلد دوم، تهران: دبیرخانه هم‌اندیشی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، انتشارات پژوهشکده زن و خانواده

- مساواتی‌آذر، مجید(۱۳۷۴)، *آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، جامعه‌شناسی انحرافات*، تبریز: نشر نوبل

- مهرپور، حسین(۱۳۸۷)، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دادگستر

- هاشمی، سید محمد(۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول

#### مقالات

- دادگر، یدالله(۱۳۷۸)، *کارایی رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف*، نامه مفید، دانشگاه مفید قم، ۵ (۱۷)

#### منبع عربی

- مجلسی، محمد باقر(۱۳۹۳)، *بحارالانوار*، جلد هفتاد و دوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم

- طباطبایی، محمد حسین(۱۴۰۶ق)، *نهایه الحکمه*، قم: موسسه النشرالاسلامی، چاپ دهم